



نمی‌توانیم نسبت به شیعه کشی در همسایگی خود بی تفاوت باشیم

داعش انتقام بگیرد و این‌ها را سر جایشان بنشانید، در کنار آن قرار شد زخمی‌های این حادثه را به ایران منتقل کنند که با آغوش باز این‌ها را پذیرفتند و با کمال مهربانی درمان می‌کنند.

غیرازاین نیز دولت افغانستان در هر مسئله‌ای در ارتباط با انتقام این مظلومین از ایران کمک بخواهد، ایران کمک می‌کند.

مقام معظم رهبری نیز رسماً اعلام فرمودند «دولت مسئول امنیت است و اگر امنیت از بین رفت، دولت مسئول آن است»، کسانی که قدرت را به دست گرفتند و ادعا می‌کنند می‌خواهند کشور را اداره کنند، آنان در افغانستان مسئول هستند.

رئیس‌جمهور نیز اعلام کردند اگر می‌خواهید به شما کمک می‌کنیم تا از

مسئله اول در مدیریت کشور، ایجاد امنیت است، وقتی بنا شد این‌ها در اولین مسئله کشورداری عاجز باشند، مردم دیگر به این‌ها دل نمی‌بندند، دولت افغانستان باید تکلیف خودش را با این عناصر ناپاک و فجایی که در افغانستان به وجود می‌آید روشن کند، مسئله «شیعه کشی» مسئله‌ای است که ما به عنوان یک کشور همسایه در کنار افغانستان بی تفاوت نیستیم.

حوادث امروز افغانستان، آزمون طالبان

«دولت افغانستان باید بدانند حرکت‌هایی که مزدوران آمریکایی داعش انجام می‌دهند، برگه امتحانی دولت افغانستان در مدیریت و کشورداری است.

.....ادامه مطلب صفحه ۶

توس دشمن از امام حسن عسکری (ع)

«اختناق در زمان امام عسکری (ع) خیلی شدیدتر صورت گرفت چون این‌ها نسبت به امام دو وحشت داشتند، یک وحشت مسئله‌ای ارتباط امام با مردم بود.

.....ادامه مطلب صفحه ۴

انسان ۲۵۰ ساله

«یک تقسیم مربوط به برخوردهای سیاسی ائمه معصومین (ع) است که مقام معظم رهبری این زندگی انسان ۲۵۰ ساله را به چهار دوره تقسیم می‌کنند.

.....ادامه مطلب صفحه ۲

متعارض و مخالفاند - باید یک انسانی را فرض کنیم که ۲۵۰ سال عمر کرده و در سال یازدهم هجرت قدم در یک‌راهی گذاشته و تا سال دویست و شصت هجری این راه را طی کرده. تمام حرکات این انسان بزرگ و معصوم با این دید قابل‌فهم و قابل توجیه خواهد بود.

۲. انسان ۲۵۰ ساله؛ مرکز صهبا؛ ص ۱۶



امت اسلامی را در نتایج انقلاب کربلا و در خط آن نهضت، جوامع اسلامی را بسازند. به نحوی که مردم بایستی در مقابل ظلم و استکبار و هر جریان ضد خدایی و ضد دینی موضع مقابله و مبارزه داشته باشند. در این دوره‌ی چهارم دشمن سه دوره داشت، دوره‌ی سرکوب، دوره‌ی فتنه و دوره‌ی اختناق.

سه دوره سرکوب، فتنه و اختناق

و خفقان بود و آن‌ها دیدند به هیچ وسیله نمی‌توانند مقابل امامت مقاومت کنند و به هیچ وجه نمی‌توانند جلوی توسعه و نشر ولایت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) را در کشور بگیرند، این‌ها تنها کاری که کردند اختناق و خفقان ایجاد کردند. امام را در یک محدوده‌ای جدای از مردم و دور از دسترس مردم نگه دارند و امام را با تمام وجود کنترل کنند اما در این مسئله هم ناموفق بودند، حتی وقتی امام هادی و امام عسکری (علیهما‌السلام) را از مدینه به سامرا منتقل کردند، سامرا یک اردوگاه نظامی بود، امام را در وسط یک اردوگاه نظامی نگه داشتند به خیال اینکه دیگر دست مردم به امام نمی‌رسد و ارتباط مردم با جریان امامت منقطع است ولی عنایات و کرامات امام هادی

۱. این بزرگواران یک واحدند، یک شخصیت‌اند. شک نمی‌شود کرد که هدف و جهت آن‌ها یکی است. پس ما به‌جای اینکه بیاییم زندگی امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) را جدا و زندگی امام حسین جدا و زندگی امام سجاد علیه‌السلام را جدا تحلیل کنیم - تا احیاناً در دام این اشتباه خطرناک بیفتیم که سیره این سه امام به خاطر اختلاف ظاهری باهم

چهار دوره از برخوردهای سیاسی

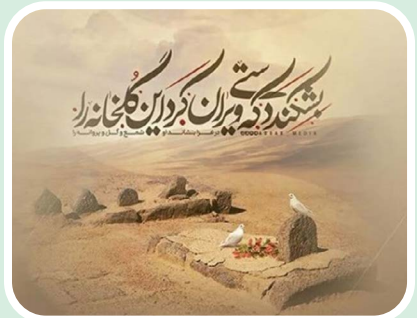
کوتاه‌مدت که مقدمات قیام و نهضت را وجود مقدس امام مجتبی (علیه‌السلام) فراهم کردند و انقلاب کربلا با ایثارگری‌ها و فداکارهای بی‌نظیر کربلا به‌صورت یک انقلاب درآمد و این یک سازندگی کوتاهی بود که در تمام زندگانی امت تا به امروز اثر گذاشته است.

دوره‌ی چهارم از امام سجاد (علیه‌السلام) تا وجود مقدس امام عسکری (علیه‌السلام). این دوره، دوره‌ی تلاش سازنده‌ی بلندمدتی بود که برحسب آنچه در کربلا صورت گرفت انجام شد. در این دوره ائمه‌ی ما از وجود مقدس امام سجاد تا امام عسکری (علیه‌السلام) در تلاش سازنده بلندمدت بودند تا انسان‌ها و

اهل‌بیت (علیهم‌السلام) دو تقسیم دارند. یک تقسیم مربوط به برخوردهای سیاسی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) است که ایشان این زندگی انسان ۲۵۰ ساله را به چهار دوره تقسیم می‌کنند.^۲

دوره‌ی اول بعد از رحلت پیغمبر، دوره‌ی سکوت است، دوره‌ای که وجود مقدس امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در دوران خلفای سه‌گانه سپری فرمودند.

دوره‌ی دوم دوره‌ی اقتدار آمیخته با مظلومیت است که دوره‌ی حکومت ظاهری امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و بخشی هم حکومت امام مجتبی (علیه‌السلام) بوده است. دوره‌ی سوم که درواقع متعلق به زندگی امام حسن و امام حسین و سیره‌ی سیاسی امام مجتبی و سیدالشهدا هست، دوره‌ی سازنده و تلاش برای سازندگی انسان‌ها در یک مقطع کوتاه‌مدت است. تلاش سازنده‌ی



حکام بنی‌امیه، زمان امام سجاد و امام باقر و بخشی از زمان امام صادق (علیهم‌السلام) بنایشان بر سرکوب ائمه بود. بنی‌عباس هم که بعد از بنی‌امیه آمدند همان جریان سرکوب را پیگیری کردند یعنی آنچه منصور دوانیقی و هارون انجام دادند جریان سرکوب بود اما بعد از آن، جریان فتنه پیش آمد که در زمان امام هشتم (علیه‌السلام) و مأمون ملعون صورت گرفت، او به فتنه متوسل شد و وجود مقدس امام هشتم (علیه‌السلام) در خط مبارزه‌ی با مأمون کاری کردند که



السلام. اللهم هذه بيعة له في أعناقنا إلى يوم القيامة. عبادالله؛ اوصيكم واوصى نفسي بتقوى الله همهى شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.



عليه السلام: «و إنما جعلت ركعتين لِمكان الخطبتين» (منتهى المطلب في تحقيق المذهب: العلامة الحلي؛ ج ۵؛ ص ۳۹۵)
۲. مسأله ۱۴- احتیاط (واجب) بلکه اوجه این است که واجب است حاضرین به خطبه‌ها گوش کنند، بلکه احتیاط (مستحب) آن است که سکوت کنند و بین خطبه سخن نگویند، اگر چه اقوی آن است که سخن گفتن کراهت دارد، اما اگر حرف زدن موجب ترک گوش کردن و از بین رفتن فایده خطبه شود، ترک آن لازم است (تحریر الوسيلة-ترجمه فارسی-؛ سید روح‌الله خمینی؛ ج ۱؛ ص ۲۶۷)

زندگی و با یک وضعیت خاصی روبرو است. مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی‌های مفصل یا دریکی از نوشتارهای ارزشمند خودشان نکته‌ای را تذکر داده‌اند و آن اینکه وجود مقدس ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) بعد از رحلت پیغمبر در شرایط گوناگون زندگی موقعیت یک انسان دویست و پنجاه‌ساله را دارند^۱، انسان در دوران زندگانی خودش فراز و نشیب‌هایی را می‌گذراند و دوره‌های مختلفی را سپری می‌کند و هر دوره‌ای با یک شرایطی از

التحیات زنة عرش الله و مداد کلماته و منتهی رضاه و عدد ما احصاه کتابه و احاط به علمه. اللهم انا نجدد له في هذا اليوم و في كل يوم عهداً و عقداً و بيعة له في رقابنا. اللهم كما شرّفنا بهذا التشريف و فضّلنا بهذه الفضيلة و خصصتنا بهذه النعمة و صل على مولانا و سيدنا صاحب الزمان و اجعلنا من انصاره و اعوانه و الذابین عنه و المستشهدين بين يديه طائعين غير مكرهين في صف الّذی نعت أهلك في کتابك کانهم بنیان مرصوص علی طاعتک و طاعة رسولک و آله علیهم

اهمیت خطبه نماز جمعه

قبل از خطبه نکته‌ای تذکر دهم، خطبه‌ی نماز جمعه به جای دو رکعت نماز است^۱، یعنی عنوان خطبه، عنوان نماز است. هم بنده که دارم خطبه می‌خوانم و هم شما که به خطبه گوش می‌دهید در حال خواندن نماز هستیم و متأسفانه بعضی از برادران و خواهران خیال می‌کنند خطبه سخنرانی است و وسط خطبه شروع به نماز خواندن می‌کنند، این نماز خواندن شما مثل نماز خواندن در وسط نماز ظهر است، آیا در وسط نماز ظهر حاضرید نماز دیگری بخوانید؟! این هم نماز اشکال پیدا می‌کند و هم جریان خطبه‌ی نماز که جای یک رکعت نماز است؛ بنابراین به این نکته توجه داشته باشند که نمی‌شود در حال خطبه نماز بخوانند^۲ و آن‌هایی هم

۱. في رواية الفضل بن عبد الملك، عن أبي عبد الله
۲. في رواية الفضل بن عبد الملك، عن أبي عبد الله

خطبه اول: الحمد لله المتفرد بالكبريا واشهد انه المتوحد بتدبير الارض و السماء و اشهد ان محمداً رحمة للورا و اكمل الكملا و افضل السفرا و خاتم الانبيا و اشهد ان اميرالمومنين على ابن ابيطالب و اولاده المعصومين هم المحجة البيضاء و منقذ البشر من الضلالة و العمى. اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان صلوات الله عليه عن جميع المومنين و المومنات في مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برّها و بحرها حبيّهم و ميّتهم و عثا و عن والدينا من الصلوات و

انسان ۲۵۰ ساله



و امام عسکری (علیهماالسلام) جوری بود که همان جریان‌های نظامی و عواملی که قدرت و لشکر بنی‌عباس بودند در استخدام مقام امامت درآمدند، بزرگ‌ترین وسیله‌ی ارتباطی امت اسلام همین‌ها بودند و مسئله‌ی تشکیلات سازی شیعه به‌وسیله‌ی امام هادی و امام عسکری (علیهماالسلام) به وسیله‌ی همین عوامل نظامی و مأمورین خلفای بنی‌عباس صورت می‌گرفت و این‌ها جریان ارتباطی مقام ارتباط را با سایر مردم تنظیم می‌کردند، باب از این‌ها بود، نائب از این‌ها بود و این جریان تشکیلات سازی شیعه و نظام ارتباطی شیعه با امام (علیهالسلام) که برای روز غیبت معصوم (علیهالسلام) برنامه‌ریزی می‌شد به‌وسیله‌ی امام عسکری (علیهالسلام) مسئله‌ی باب^۲ و مسئله‌ی نائب، تنظیم یافت، باب‌هایی در هر نقطه‌ای یک نفر به‌عنوان باب در جریان ارتباطی بود؛ این باب امام به



نائب امام وصل می‌شد و از طریق نائب باب‌ها با امام تماس می‌گرفتند، اوامر و هدایت و ارشاد امام (علیهالسلام) در میان مردم پخش می‌شد و این جریان یک زمینه‌ای برای روز غیبت امام معصوم (علیهالسلام) بود.

۱. بحارالانوار؛ محمدباقر بن محمدتقی مجلسی؛ ج ۹۹؛ ص ۵۳
۲. «باب» در لغت به معنی «مدخل البیت» و

ترس دشمن از امام حسن عسکری (علیهالسلام)

منتهی اختناق در زمان امام عسکری (علیهالسلام) خیلی شدیدتر صورت گرفت چون این‌ها نسبت به امام عسکری دو وحشت داشتند یک وحشت مسئله‌ی توسعه‌ی ولایت و امامت و ارتباط امام عسکری (علیهالسلام) با مردم بود و مسئله‌ی دوم پیدایش وجود مقدس امام زمان (علیهالسلام) به‌عنوان برهم زنده‌ی تمام حکومت‌های طاغوتی و جائر در روی کره‌ی زمین و تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام در سرتاسر کره‌ی خاک بود؛ و از این وحشت داشتند که می‌دانستند بعد از امام عسکری امام زمان متولد می‌شوند و می‌خواستند جلوی ولادت امام زمان یا جلوی زنده‌بودن امام زمان را بگیرند لذا اختناق در زمان امام عسکری بیشتر شد.

زندان‌بان ناصبی

آنها تنها به اینکه اطراف خانه محاصره باشد و امام در یک اردوگاه نظامی باشد اکتفا نکردند، وجود مقدس امام عسکری را بیشتر اوقات در زندان‌های خیلی شدید نگه می‌داشتند، در زمان

محل عبور به داخل خانه یا یک مکان است و به مناسبت، بر آنچه که به‌وسیله آن، این مدخل بسته می‌شود نیز اطلاق شده است. جمع آن «ابواب» است واژه باب و ابواب نیز از واژه‌هایی است که درباره گروهی از وکلای خاص ائمه (علیهم‌السلام) به‌کاررفته است. این واژه در عصر غیبت صغرا بر نواب اربعه و برخی دیگر از وکلایی که مرتبه‌ای والا داشتند و واسطه صدور توقیعات بودند اطلاق می‌شده است. (سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه؛ محمدرضا جباری؛ ج ۱؛ ص ۳۸)

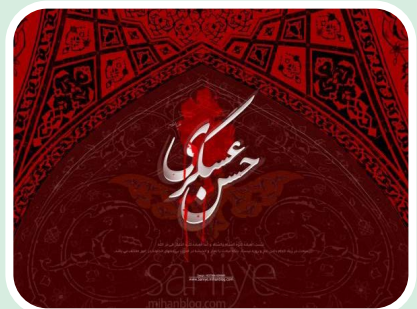


به مستعین خبر دادند که علی بن نارمش شیعه‌ی امام عسکری شده و وسیله‌ی ارتباط امام عسکری با بیرون زندان شده است و همه‌ی امکانات رفاهی را در داخل زندان برای امام عسکری فراهم کرد. مستعین یک حاجبی داشت که محرم اسرارش بود، او فکر کرد کاری کند که برای همیشه از دست امام عسکری خلاص شود. او سعید حاجب را طلبید و گفت تو مأموریت داری به عنوان انتقال امام عسکری از زندان سامرا به زندان کوفه، امام را به‌طرف کوفه ببری و در بین راه با یک سم کشنده حسن بن علی را از بین ببری.

پیشگویی مرگ مستعین

یکی از شیعیان به نام ابوالحیثم بن طیحان از داخل دربار مستعین از این قصه

مطلع شد، او وحشت‌زده شیعیان را جمع کرد و گفت می‌خواهند آقا را بکشند و به امام اطلاع داد که به هر قیمتی شده است از رفتن به کوفه ترمز کنید، این‌ها چنین توطئه‌ای را در دست دارند و حضرت برای او پیغام دادند که مستعین سه روز دیگر بیشتر



با این تفصیل، معتمد عباسی ملعون نیز بعد از مدتی دید که به جز کشتن امام راهی دیگری ندارد و هر طور شده باید حضرت را بکشد و به یک وسیله‌ای از وجود امام زمان باخبر شود و وجود مقدس آن حضرت را هم از بین ببرد لذا یک شربت مصطکی به‌عنوان تعارف به منزل امام عسکری (علیهالسلام) فرستاد و به مأمورین دستور داد باید همان‌جا بنشینند و هر طور شده این شربت را به خورد امام دهند. مأمورین وارد خانه‌ی امام عسکری شدند زهر را با زور به امام (علیهالسلام) خوراندند امام جوان بیست‌وهشت‌ساله از داخل اتاق که حرکت کردند تا به اندرون بروند عزیزان امام عسکری دیدند رنگ از صورت آقا پریده است، آثار سم و زهر بر بدن نازنین ظاهر شده است، منتهی سمی بود که به تدریج و در ظرف چند روز حضرت را می‌کشت، حضرت بیمار شدند و در میان بستر افتادند، بلافاصله معتمد عباسی

زنده نیست و بلافاصله بین مستعین و معتز درگیری به وجود آمد درباری‌های مستعین علیه او شوریدند و به معتز گرویدند و همان سعید حاجب از طرف معتز مأمور شد که گردن خود مستعین را بزند و گردن مستعین به وسیله‌ی سعید حاجب با معجزه‌ی امام

عسکری زده شد.

۱. عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْعَلَوِيِّ قَالَ: حُسَيْبُ أَبُو مُحَمَّدٍ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ نَارْمَشٍ وَ هُوَ أَتَصَبُ النَّاسِ وَ أَشَدُّهُمْ عَلَى آلِ أَبِي طَالِبٍ وَ قِيلَ لَهُ أَفْعَلْ بِهِ وَ أَفْعَلْ فَمَا أَقَامَ عِنْدَهُ إِلَّا يَوْمًا حَتَّى وَضَعَ خَدَيْهِ لَهُ وَ كَانَ لَا يَزِفُّعُ بَصَرَهُ إِلَيْهِ إِلَّا لَاحًا وَ إِعْظَامًا فَخَرَجَ مِنْ عِنْدِهِ وَ هُوَ أَحْسَنُ النَّاسِ بَصِيرَةً وَ أَحْسَنُهُمْ فِئَةً قَوْلًا. (الكافي؛ شيخ كليني؛ ج ۱؛ ص ۵۰۸)

شهادت امام حسن عسکری (علیهالسلام)

پرده‌ی درب خانه کنار رفت و یک آقازاده‌ی پنج‌ساله وارد اتاق شد، آقا این ناز دانه را به سینه چسباند فرمود: ای صاحب‌خانه تو به من آب بنوشان. این آقازاده طرف آبی را بلند کرد و کنار لب‌های نازنین بدن مسموم بابا برد^۲

وصیت به نرجس خاتون

اطبا را بر خانه‌ی امام گماشت و عده‌ای هم مأمور گماشت که در اطراف بستر امام عسکری هر بچه‌ای را دیدند بلافاصله او را دستگیر کنند.

(ادامه‌ی روضه)

پروردگارا! به مظلومیت اولیائت نقطه‌ی انتقام از این مظلومیت‌ها، فرج و ظهور مولایمان بقیةالله تعجیل فرما.

پروردگارا! عرض سلام و تسلیت ما را از حالت فریضه‌ی درگاهت به ساحت ولایتمدار مولایمان امام زمان (علیهالسلام) برسان.

ارواح مطهره‌ی شهدا و روح مطهر امام بزرگوار ما را از اشک و عشق ما بهره‌مند گردان.

سایه پربرکت مقام معظم رهبری بر سر ما مستدام دار.

دشمنان ناپاک ما در جبهه‌های کفر و نفاق و استکبار ذلیل و نابود و ریشه‌کن گردان.

خدایا! باران رحمت را به این سرزمین ولایی امام هشتم (علیهالسلام) نازل فرما.

۱. مادر امام زمان(عج)

۲. بحارالانوار؛ محمدباقر بن محمدتقی مجلسی؛ ج ۵۲؛

خطبه دوم: عبادالله؛ اوصیکم و اوصی نفسی بتقوی الله

همه‌ی شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

طرح ایجاد جنگ قومی و مذهبی در افغانستان شکست می‌خورد

آمد، در شمال افغانستان در شهر قندوز در مسجدهای خان‌آباد، عده‌ای از دوستان اهل‌بیت و خون کشیدند، این‌هایی که برای ادای نماز

در هفته گذشته مثل امروز، فاجعه دل‌خراشی برای جهان شیعه به وجود

در هفته گذشته مثل امروز، فاجعه دل‌خراشی برای جهان شیعه به وجود

نمی‌توانیم نسبت به شیعه‌کشی در همسایگی خود بی‌تفاوت باشیم



نمی‌تواند ما را بی‌تفاوت بگذارد و پیگیری این فاجعه لازم هست که کاملاً به نتیجه برسد.

۱. از مسئولان کشور همسایه و برادر افغانستان جداً انتظار می‌رود که عاملان خونخوار این جنایت بزرگ را به مجازات برسانند و با تدابیر لازم از تکرار چنین فجایعی جلوگیری کنند. (مقام معظم رهبری ۱۷ مهر ۱۴۰۰)

در افغانستان مسئول هستند.

رئیس‌جمهور نیز اعلام کردند اگر می‌خواهید به شما کمک می‌کنیم تا از داعش انتقام بگیرید و این‌ها را سر جایشان بنشانید، در کنار آن قرار شد زخمی‌های این حادثه را به ایران منتقل کنند که با آغوش باز این‌ها را پذیرفتند و با کمال مهربانی درمان می‌کنند؛ غیر از این نیز دولت افغانستان در هر مسئله‌ای در ارتباط با انتقام این مظلومین از ایران کمک بخواهد، ایران کمک می‌کند زیرا نمی‌توانیم در کنار این مرز زندگی کنیم و نسبت به شیعه‌کشی برادران، خواهران و بچه‌های عزیزشان بی‌تفاوت باشیم که بر سر آنان چه می‌آید، مسئله همبستگی در عشق اهل‌البیت،

نقطه و مسئله اول در مدیریت کشور، ایجاد امنیت است، وقتی بنا شد این‌ها در اولین مسئله کشورداری عاجز باشند، مردم دیگر به این‌ها دل نمی‌بندند، دولت [افغانستان] باید تکلیف خودش را با این عناصر ناپاک و فجایی که در افغانستان به وجود می‌آید روشن کند، مسئله «شیعه‌کشی» مسئله‌ای است که ما به‌عنوان یک کشور همسایه در کنار افغانستان بی‌تفاوت نیستیم.

مقام معظم رهبری نیز رسماً اعلام فرمودند «دولت مسئول امنیت است و اگر امنیت از بین رفت، دولت مسئول آن است»، کسانی که قدرت را به دست گرفتند و ادعا می‌کنند می‌خواهند کشور را اداره کنند، آنان

بی‌تفاوتی دولت جدید افغانستان محکوم است

انتظامی را هم قدرت و هم قوت ببخشد که در اجرای این امتیاز نظام مقدس اسلامی که تأمین امنیت جان و مال مردم هست، بیشتر فداکاری و فعالیت کنند.

خدایا! به‌حق خون‌های به‌ناحق ریخته شده و مظلومیت شیعیان قندوز، نقطه‌ی کمال عزت و عظمت اسلام و مسلمین فرج مولایمان را تعجیل فرما.

ارواح مطهره‌ی شهدا و روح مطهر امام بزرگوار ما راه از پایمردی مردم ما در پای ستون خیمه‌ی این نظام خوشنود و راضی گردان.

سایه‌ی پربرکت مقام معظم رهبری بر سر ما مستدام دار.

دشمنان ناپاک ما که دشمنان امام زمان (علیه‌السلام) هستند از صفحه‌ی روزگار برانداز. پروردگارا! این بیماری منحوس را از قاطبه‌ی دوستان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) دفع فرما.

عزیزانی که به این بلا مبتلا شده‌اند شغای عاجل عنایت فرما.

انقلاب تا امروز این بوده که با سر کار بودن هر دولتی، امنیت کشور ما برقرار بوده است؛ در دوران دفاع مقدس روزنامه‌های آمریکایی نوشتند «امنیت شب‌های تاریک تهران از روزهای روشن نیویورک بیشتر است»، در شرایطی که بمباران می‌کردند و شب‌ها چراغ‌ها خاموش بود، آنجا این متن را نوشتند و این امنیت مرهون خدمات جریان‌های انتظامی آن روز که به‌صورت شهربانی، کمیته‌های انقلاب اسلامی و ژاندارمری فعالیت می‌کردند بود و این مجموعه امروز در نیروی انتظامی قهرمان متبلور شده است.

خوشبختانه در این ۴۲ سال در این کشور در هر حادثه و پیش‌آمدی چه جنگ و چه فتنه، امنیت جان و مال مردم در مخاطره قرار نگرفته و آن نیز به خاطر فداکاری‌ها و ایثارگری‌های شبانه‌روزی محور اقتدار این نظام و همکاری بسیج دلاور و بقیه نیروهای مسلح با جلوداری نیروی انتظامی بوده است. امروز روز آخر هفته نیروی انتظامی است و امیدواریم خداوند عزیزان ما در نیروی



متأسفانه تا به امروز دولت افغانستان عکس‌العمل رسمی از خود نشان نداده و اقدامی در این زمینه که مردم ببینند، به جا نیاورده است، ژستی که دولت افغانستان در مقابل این فاجعه گرفته است، ژست بی‌تفاوتی دولت افغانستان نسبت به این ناامنی و کشتار غیرقابل‌انتظار است و این‌طور ژست گرفتن از نظر ما محکوم است، این‌که برایشان فرقی نمی‌کند یک عده شیعه در این کشور کشته بشوند و عین خیالشان نیست، به‌عنوان همسایه این کشور نمی‌توانیم در مقابل این بی‌تفاوتی، بی‌تفاوت باشیم.

مسئله امنیت در هر کشور و مدیریتی حرف اول را می‌زند، عمده امتیاز کشور و مدیریت جامعه ما در طول ۴۲ سال از پیروزی

از ۲۰ سال از افغانستان خارج شد، در این ۲۰ سال کارنامه آمریکا در تمام سرزمین افغانستان مظلوم‌کشی، ضعیف‌کشی و آدم‌کشی بود، نهایتاً شکست خورد و با ذلت مجبور شد افغانستان را تخلیه کند ولی در عین حال برای این‌که جنایتگری و آدم‌کشی خودش را در افغانستان ادامه بدهد، مزدورانی به‌عنوان جنگ‌نیایی به جا گذاشت که داعش ملعون است.



دیدند یک بچه خردسال پیشانی‌بندی دارد که نوشته «یا ابا عبدالله الحسین»، این بچه مقابل چشم پدر به خاک و خون کشیده شد. این حادثه عظیم به‌وسیله‌ی یک تروریست چینی که به داعش پیوسته صورت گرفت؛ پشت پرده این قضیه دو مسئله قابل‌توجه هست، مسئله اول این‌که داعش ملعون مزدور جنگ‌های نیایی آمریکاست، آمریکا با ذلت بعد

انقلاب اسلامی نماینده اندیشه شیعه در جهان است

هدف آمریکا در این خون‌ریزی که داعش انجام داده، این است که افغانستان را از یک‌طرف دچار ناامنی و از طرف دیگر این کشور را درگیر جنگ داخلی کند، جنگ قومی «هزاره و پشتو» و جنگ مذهبی «شیعه و سنی» علت این‌که این جنایت را نسبت به شیعیان انجام داد این بود. آمریکای نامرد چه در سوریه، چه در عراق و چه در افغانستان در همه حرکت‌های

به مسجد آمده بودند را تسلیم مرگ و شهادت کردند.

شهادت خیلی دل‌خراشی بود، شما برادران و خواهران فرض کنید الآن اینجا آمدید نماز جمعه بخوانید، در آن روز هم مردم دست بچه‌هایشان را گرفته بودند آمدند به مسجد که نماز بخوانند، با این وضع روبرو شدند و بچه را در آغوش پدر کشتند؛ در بین شهدای آن روز

«سنی و شیعه»، دست واحد در برابر استکبار

پیغمبر (علیه‌السلام) دارد به شیعه منتقل می‌شود یعنی آنانی که امروز شیعه را به خاک و خون می‌کشند، همان یزید، شمر، عبیدالله بن زیاد و عمر سعد هستند که به این شکل درآمدند ولی مسئله و برخورد داعش، برخورد اهل سنت نیست، آمریکا اینجا را اشتباه کرده است و از اینجا [افغانستان] جنگ سنی و شیعه به وجود نمی‌آید.

همه مسلمانان دنیا می‌دانند داعش «وهابی» است، وهابی‌ها سنی نیستند، در سرزمین عراق و سوریه عده‌ای از اهل سنت به دست همین داعشی‌ها کشته شدند و از بین رفتند، این جنگ بین سنی و شیعه نیست، سنی و شیعه دو برادر هستند که در جریان استکبارستیزی دست‌به‌دست هم می‌دهد و با وحدت ریشه استکبار را می‌زنند.



این مظلومیت شیعه کباده‌ای است که از اهل‌بیت پیغمبر (علیه‌السلام) به دوش می‌کشد یعنی همان مظلومیت اهل‌بیت

حوادث امروز افغانستان، آزمون دولت طالبان است

جنگ بین پشتو و هزاره هم نمی‌شود به خاطر این‌که خون، رگ و زندگی آنان در یک سرزمین، کشور و یک جامعه باهم آمیخته‌شده است و آنان نیز به چنین جنگی دست نمی‌زند، آمریکا اینجا هم اشتباه کرده است و فقط می‌خواهد عده‌ای شیعه را به خاک و خون بکشند، مسئله و جنایت آمریکا بعد از



دارند دولت طالبان را تجربه و آزمایش می‌کنند که می‌تواند کشورشان را اداره و کشورداری کند یا نه؟

احیاء مکتب هدایت

پاییز ۱۴۰۰

دوره آموزشی تربیت مربی و مدرّس



تربیت مربی و مدرّس قرآن کریم، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه

اردوگاه فرهنگی آموزشی مفتاح



سایت مرکز رسیدگی به امور
مساجد استان های خراسان
masjedkh.ir



مرکز رسیدگی به امور مساجد
استان های خراسان



سایت آیت الله علم الهدی
alamolhoda.com

مشهدالرضا (ع)؛ خیابان امام رضا (ع)؛ امام رضا ۹؛ مسجد راوندگان؛ ساختمان شماره ۲ مرکز رسیدگی به امور مساجد استان های خراسان